

رابطه بین معناشناسی هویتی و آرایه‌های متأثر از جهان‌بینی اسلامی در معماری ایرانی

چکیده

معماری هنری است که با سبک زندگی افراد، روحیات، فرهنگ، دین و آداب و سنن یک ملت کاملاً عجین است. بدین ترتیب تمامی ابعاد بینشی و دانشی یک ملت در کالبد معماری آن‌ها - یا حداقل در مقطعی از زمان - در آن بروز پیدا می‌کند. در جهت پاسخ به سؤالات پژوهش حاضر با استفاده از روش پژوهش کمی و کیفی و پس از مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی به روش تحلیل محتوا، مؤلفه‌های شاخص معناشناسی در کالبد معماری و هویت‌مداری به‌دست آمد. مشخص گردید مؤلفه «هندسه و وحدت» با انطباق عناصر هویت‌ساز کالبدی با بیشترین میانگین وزنی ۰.۳۷۰۹۵۵ و ۰.۲۶۶۴۹۶ مشخص و بر این اساس، رابطه هندسه و وحدت با انطباق بافت و زمینه، وحدت و یگانگی و خلاقیت و نوآوری تعریف گردید. براساس نتایج به‌دست آمده از پژوهش دو مؤلفه «وحدت و هندسه» منتج از اصول معماری اسلامی در قالب کالبد با کاراکترهای «خلاقیت و انطباق با پس‌زمینه و بافت» ارتباط معنادار برقرار کرده‌اند. بر همین مبنا، معماری را باید همچون خود انسان دارای مراتب خاصی دانست. لذا لازم است به جهت رسیدن به معماری‌ای با بالاترین درجه، که همان معماری پایا و جاویدان است، معرفت وجودی معمار نیز با بنا و اثر خود مرتبط شود.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی رابطه میان معناشناسی هویتی و آرایه‌های جهان‌بینی اسلامی است.
۲. بررسی معناشناسی هویتی از منظر معماری اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. چه رابطه‌ای میان معناشناسی هویتی و آرایه‌های متأثر از جهان‌بینی اسلامی در معماری وجود دارد؟
۲. معناشناسی هویتی از منظر معماری اسلامی چیست؟

کلیدواژه‌ها: معناشناسی هویتی، جهان‌بینی اسلامی، اصول معماری ایرانی، وحدت و هندسه.

مقدمه

ابنیه سنتی ایران از نوعی ماندگاری در مباحث معنایی و زیبایی‌شناسی همراه با کالبدی شکلی، برخوردار می‌باشد، که می‌توان آن را به نوعی «معماری مطلوب» نام نهاد. این موضوع باعث گردیده است که در فضایی هم‌چون کاشان، صرف‌نظر از خرداقلیم‌های طراحی شده در خانه‌های کویری، نوعی احساس آرامش و تعالی اندیشه در دیدگاه مخاطب ایجاد گردد. به همین خاطر، با وجود حصول آسایش حرارتی توسط سیستم‌های مکانیکی، هنوز نوعی وابستگی به این نوع معماری به شکلی پایا، باقی مانده است. بی‌شک این معنا، به دلیل تفاوت خاص معماری و شهرسازی نسبت به سایر هنرها، به جای انتقال از طریق شکل یا فرم خاص، توسط کالبد فضای زندگی تفهیم می‌گردد؛ که شامل آن دسته از اصول و ارزش‌های فرهنگی و جهان‌بینی جامعه بوده، که شکل‌دهنده محیط می‌باشند. معماری به مثابه «بستر زندگی انسان» همچون وجود خود او، از وجوه پیدا و پنهانی تشکیل شده است. وجه پیدا ناشی از عوامل مادی، محیطی و کارکردی است؛ در حالی که وجه پنهان معماری از اندیشه‌ها و باورهای انسان تأثیر می‌پذیرد.

باتوجه به این موضوع، هدف اصلی این پژوهش جست‌وجو و مطالعه پیرامون همان وجوه پنهان معماری است که حاصل پیاده‌سازی اندیشه‌ها و باورهای بستر کالبدی در آرایه‌های موجود در این کالبد است. به طور مسلم، چنین آرایه‌هایی منتج از نوعی بینش ویژه است که خود، می‌تواند حاصل پایبندی به اصول و عقایدی خاص باشد که آن را با نام «جهان‌بینی» می‌شناسیم. اینکه این جهان‌بینی چه تأثیری در کالبد معماری باقی می‌گذارد یا اینکه این تأثیر از طریق به کارگیری کدام عناصر معماری منتقل می‌گردد، مباحثی است که در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود. فرضیه اصلی پژوهش عبارت است از: «رابطه معنی‌داری بین آرایه‌های متأثر از جهان‌بینی اسلامی در کالبد معماری ایرانی و انطباق آرایه‌های هویت در نیازهای انسانی وجود دارد». همچنین به جهت کشف رابطه پنهان میان دو مؤلفه معناشناسی و جهان‌بینی اسلامی ضرورت دارد پژوهشی به این مضمون صورت گرفته تا نتایج آن شاخص‌های معناشناسی از منظر معماری اسلامی را بیشتر نمایان سازد.

تا پیش از این مطالعات و پژوهش‌هایی در زمینه هستی‌شناسی صورت گرفته است. ریسی و نقره‌کار (۱۳۹۴)، در رابطه با هستی‌شناسی معنا در آثار معماری و در پژوهشی دیگر ایمان‌طلب و گرامی (۱۳۹۱)، در خصوص نسبت معنا و شکل تطابق اندیشه معماری مسجد و فرم‌شناسی نماز پرداخته‌اند. مهدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸)، در خصوص اصول معماری اسلامی پژوهشی با عنوان «اولویت‌بندی و تفحصی بر اصول و ارزش‌های معماری ایرانی دوره اسلامی؛ مبتنی بر تجلی معنا در عناصر کالبدی معماری (با استعانت از آیه ۲۳ سوره مبارکه حشر)» را نگارش کردند. همچنین تحقیقات دیگری در این زمینه توسط کریمی و همکاران (۱۳۹۶)، سلیمانی شیجانی و همکاران (۱۳۹۳)، سهیلی‌فرد و همکاران (۱۳۹۲)، قیومی بیدهندی عبدالله‌زاده (۱۳۹۱)، نادری و همکاران (۱۳۹۱) صورت گرفته است. آنچه در این تحقیقات دیده نشده و مغفول مانده بود بررسی رابطه بین معناشناسی هویتی و آرایه‌های متأثر از جهان‌بینی اسلامی در معماری ایرانی بود که این پژوهش بدان پرداخته است.

پژوهش حاضر با استفاده از روش پژوهش کمی و کیفی و پس از مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی به روش تحلیل محتوا، مؤلفه‌های شاخص معناشناسی در کالبد معماری و هویت‌مداری به دست آمد. سپس مصاحبه‌ای باز پاسخ با ۱۷ نفر از متخصصان معماری صورت گرفت که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و از روش نظریه زمینه‌ای با تکنیک کدگذاری باز به تحلیل مصاحبه‌ها پرداخته شد. در ادامه از کدگذاری محوری جهت تولید ابزار پژوهش (تولید

جدول هدف محتوا و پرسش‌نامه) بهره گرفته شد. تحلیل نتایج پرسش‌نامه به جهت نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنف استفاده شد و سپس برای به دست آوردن الویت‌های شاخص در معماری از روش تحلیل سلسله‌مراتبی در نرم‌افزار Expert Choice نسخه ۱۱ بر مبنای روش (AHP) استفاده شد و مشخص گردید مولفه «هندسه و وحدت» با انطباق عناصر هویت‌ساز کالبدی با بیشترین میانگین وزنی ۰.۳۷۰۹۵۵ و ۰.۲۶۶۴۹۶ مشخص و بر این اساس، رابطه هندسه و وحدت با انطباق بافت و زمینه، وحدت و یگانگی و خلاقیت و نوآوری تعریف گردید.

نتیجه‌گیری

باتوجه به توضیحات فوق در بخش آنالیز تحقیق و مدل نمایش داده شده، براساس نتایج به دست آمده از پژوهش دو مؤلفه «وحدت و هندسه» منتج از اصول معماری اسلامی در قالب کالبد با کاراکترهای «خلاقیت و انطباق با پس‌زمینه و بافت» ارتباط معنادار برقرار کرده‌اند. بر همین مبنای معماری را باید همچون خود انسان دارای مراتب خاصی دانست. لذا لازم است به جهت رسیدن به معماری‌ای با بالاترین درجه، که همان معماری پایا و جاویدان است، معرفت وجودی معمار نیز با بنا و اثر خود مرتبط شود. این بدین مفهوم است که کلیه اقدامات انسان باید در راستای مسیر صحیح و مستقیم و در جهت قرب الهی باشد، پس به طور قطع ساخته‌های او نیز حاوی چنین محتوی و مضمونی است. علت این امر را می‌توان این چنین بیان نمود که اگر در یک معماری کلیه اصول و قواعد کالبدی و فنی به کار گرفته شوند، اما هدف آن نامشخص و یا رسیدن به خود و انسان‌محوری باشد، حتی اگر از دیدگاه ساینسی چون خودش، دارای ارزش جاودانگی باشد؛ لیکن هرگز به جاودانگی حقیقی دست نیافته است؛ بنابراین در جریان واکاوی بینش معمار دیروز و تأثیراتی که این بینش و جهان‌بینی در نوع نگاه وی به معماری نهاده است می‌توان عناصر کالبدی‌ای را مشاهده نمود که در بطن خود حاوی معانی‌ای ژرف و جاودان هستند. بی‌شک حضور این معانی و درک آن توسط هر انسانی که در فضای این کالبدها قرار می‌گیرد سبب ادعای امر جاودانگی و مانایی معماری گذشته ایران خواهد بود. این آرایه‌ها عناصر کالبدی و هم‌چنین بینشی که از آن نشأت گرفته‌اند. معمار موحد ایرانی دیروز، رمز جاودانگی معماری خود را در پیروی و الگوبرداری از جهان‌بینی توحیدی می‌دانست، چراکه به درستی دریافته بود رابطه‌ی معماری با دین، همان «رابطه روح با کالبد است». پس این معماری دینی است که استوار بر حکمت می‌باشد و از اصولی الهام می‌گیرد که ریشه در عمق دین دارد، پس ابتدا خود معمار باید به مرحله‌ی جاودانگی برسد که آن نیز تنها در سایه فنا الی‌الله رخ می‌دهد.

منابع و مأخذ:

- احمدی، بابک. (۱۳۹۱). از نشانه‌های تصویری تا متن. تهران: نشر مرکز.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدا... (۱۴۰۴ ق.)، الشفاء. تصحیح: سعید زاید، قم: انتشارات آیت ... مرعشی نجفی.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۴). اندیشه‌های اسلامی ۱ (جزوه درسی).. گروه دروس عمومی و معارف اسلامی. تهران: دانشگاه هنر تهران.
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۴). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی. دفتر اول و دوم: وحدت وجود و وحدت شهود، کیمیای خیال. تهران: انتشارات سوره مهر.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۴). روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان. تهران: فرهنگ گفتمان.

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). شریعت در آینه معرفت - بررسی و نقد نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت. قم: مرکز نشر اسراء.
- سجادزاده، حسن؛ موسوی؛ الهام. (۱۳۹۳). «ابعاد چپستی‌شناسی و هستی‌شناسی شهر اسلامی از منظر متون اسلامی». شهر ایرانی اسلامی، ۵، ۵-۱۷.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: نشر علم.
- شیرازی، ملاصدرا. (۱۳۶۸). الحکمت المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. جلد اول تا هشتم، قم: انتشارات مصطفوی.
- صلیبا، جمیل. (۱۳۶۶). فرهنگ فلسفی. (منوچهر صانعی دره بیدی، مترجم). تهران: انتشارات حکمت.
- علیزاده، عبدالرضا. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی معرفت. چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قطبی، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). «مفهوم هویت و معماری امروز ایران». آینه خیال، شماره ۱۰.
- فن مایس، پیر. (۱۳۸۴). عناصر معماری: از صورت تا مکان. ترجمه: فرزین فر دانش. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گوهرین، سید صادق. (۱۳۸۸). شرح اصطلاحات تصوف. جلد اول. چاپ اول. انتشارات زوآر.
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار، جلد ۱. بیروت: نشر وفاء.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۹). آموزش فلسفه. جلد اول. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۹). تماشگاه راز. قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱). عدل الهی. قم: انتشارات اسلامی قم.
- مهدوی‌نژاد، محمد مهدی؛ بمانیان، محمدرضا و خاکسار، ندا. (۱۳۸۹). «هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن». نشریه هویت شهر، شماره ۷، ۲.
- میرمقتدایی، مهتا. (۱۳۸۳). «معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها»، هنرهای زیبا، شماره ۱۹، ۶.
- نصر، سید حسین. (۱۳۸۹). هنر و معنویت اسلامی. (رحیم قاسمیان، مترجم). تهران: انتشارات حکمت
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۵). معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری). به کوشش سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان و با همکاری واحد علوم و تحقیقات دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی. اصفهان: انتشارات راهیان.
- نقره‌کار، عبدالحمید؛ و رئیسی، محمدمنان. (۱۳۹۲). «هستی‌شناسی معنا در آثار معماری». هویت شهر، ۲۴، ۱۵-۵.
- نقره‌کار، عبدالحمید؛ و رئیسی، محمدمنان. (۱۳۹۱). «تحقق‌پذیری هویت اسلامی در آثار معماری». مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷، ۵-۱۲. ۳۲.
- واعظی، احمد. (۱۳۹۰). نظریه تفسیر متن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- Carroll, L. (1983). Complete Works. London.
- Johansen, J. D., & Larsen, S. E. (2002). Signs in Use. London: Routledge.
- Rorty, R. (1982). Consequences of Pragmatism. Minneapolis: University of Minnesota Press.